

سفارش‌های اخلاقی در کلیات سعدی با رویکرد به قرآن و نهج البلاغه

رضا موسی‌آبادی*

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۴

بتول فخر اسلام**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۶

چکیده

شعر سعدی چشم‌انداز پند و پیام‌های گوناگونی است که هر یک به تنهایی جلوه‌ای از بینش منحصر به فرد وی نسبت به دنیای پیرامونش می‌باشد؛ آنگونه که می‌توان قلمرو مفاهیم و مؤلفه‌های اخلاقی را در پیام‌های زیبا و ژرف وی به خوبی مشاهده کرد. از آنجا که در دل هر پندی، پیامی نهفته است، شاعر شیرین‌سخن بر آن بوده است که مخاطب خود را به گونه‌ای به سوی افق‌های رشد و پویایی رهنمون سازد و به همین جهت بسیاری از آموزه‌های اخلاقی سعدی را می‌توان آیین‌نامه‌ای برای بهتر زیستن در نظر گرفت. آنچه در این مجموعه گرد آمده است بررسی مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی در «کلیات سعدی» و شناساندن دغدغه‌های ذهنی و فکری شیخ اجل - که از چهره‌های جاویدان در قلمرو اخلاق شعر گذشته فارسی نیز به شمار می‌آید - می‌باشد.

کلیدواژگان: سعدی، پند و اندرز، اندیشه‌های دینی، مضامین تعلیمی.

* دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران.

rezamoosabady@yahoo.com

Bt_Fam12688@yahoo.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، نیشابور، ایران (استادیار).

نویسنده مسئول: رضا موسی‌آبادی

مقدمه

سعدی شاعر شیرین‌سخن که لقب "افصح المتکلمین" به او داده شده، در اثر ارزشمند خود، «کلیات سعدی» اندیشه‌های ناب و انسان‌سازی را مطرح نموده که عمل کردن به آن‌ها سعادت را برای فرد به ارمغان می‌آورد. این اندیشمند توانا که دارای فکر و اندیشه‌ای خلاق و در عین حال آشنا به دردها و روحيات انسان‌ها و جامعه بوده، مانند روان‌شناسی که در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی متبحر است، آسیب‌های جامعه و درد و آلام بشری را شناخته و برای آن‌ها راهکار نیز پیشنهاد کرده است.

این مقاله از رهگذر این نظریه تلاش می‌کند تا با بررسی و تحلیل آموزه‌های اخلاقی در «کلیات سعدی شیرازی» پاسخ مناسب این پرسش‌ها را بیابد که آموزه‌های اخلاقی چه جایگاهی در «کلیات سعدی شیرازی» دارد و در مقایسه با دیگر متون تعلیمی تا چه حد مورد توجه قرار گرفته است؟ با توجه به اینکه قالب غزل در شعر فارسی بیش‌تر به معاشقه، مغالزه و بیان عواطف بشری اختصاص دارد، شاعر شیرین‌سخن تا چه حد توانسته، قالب غزل را در خدمت بیان آموزه‌های اخلاقی و معارف انسانی قرار دهد؟ با توجه به تنوع آموزه‌های اخلاقی در شعر فارسی، شیخ اجل بیش‌تر به کدام‌یک از مسائل اخلاقی توجه بیش‌تری داشته است؟ میزان کاربرد مفاهیم و مضامین اخلاقی «کلیات سعدی» با دنیای امروز بشری تا چه حد هماهنگی دارد؟ با توجه به اینکه سعدی شیرازی را استاد مسلم اخلاق می‌نامند، هدف اصلی شاعر از سرودن، منحصر به بیان پند و اندرزهای اخلاقی در قالب نظم و نثر بوده است یا خیر؟ محور اصلی نگارش کتاب بیش‌تر بر اساس درون‌مایه فکری و ذهنی نویسنده بوده است یا جامعه روزگار شاعر؟ آیا نویسنده جانب اعتدال را در بیان آموزه‌های اخلاقی رعایت نموده است یا نه؟

ادبیات فارسی اقیانوس بیکرانی از موضوعات و مفاهیم بلند آرمانی و انسانی است که در میان ادبیات ملل به همین دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از انواع ادبی حماسه، غنا، مرثیه، مدحیه، وصفیه و بسیاری از نوع‌های دیگر بهره‌مند است. یکی از مهم‌ترین ارکان ادب فارسی، پرداختن به مسائل انسانی و آرمانی است که ادب نفس از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. اخلاقیات که ریشه در باورهای تاریخی - اعتقادی دارد همواره مورد توجه و عنایت بسیاری از شاعران و نویسندگان بوده است؛ ولی نوع پرداخت

و نحوه بیان در آن‌ها یکسان نیست و موضوعات نیز به دلیل تنوعی که در این مقوله وجود دارد بسیار است. *خواجه نصیرالدین طوسی* در کتاب «اخلاق ناصری» در تعریف اخلاق می‌نویسد: «اخلاق در لغت، جمع واژه «خُلُق» است. خُلُق صفتی را گویند که در نفس انسان رسوخ دارد و موجب آن می‌شود که افعالی متناسب با آن، بدون نیاز به تفکر و تأمل از او صادر شود. خُلُق همان ملکه است که در مقابل حال قرار دارد. حال بر خلاف ملکه، کیفیت نفسانی سریع الزوالی است که می‌تواند پس از ممارست و تمرین، ملکه انسان گردد» (طوسی، ۱۳۶۹: ۱۰۱).

از مشخصات بارز شعر و نثر فارسی، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است که در حقیقت یکی از استوارترین پایه‌های ادب فارسی نیز محسوب می‌گردد. وجود بسیاری از کتاب‌ها و آثار اخلاقی هم‌چون «سیاست‌نامه»، «قابوس‌نامه»، «نصیحة الملوک»، «کیمیای سعادت»، «گلستان سعدی» و «اخلاق محسنی» و ... بیانگر اهمیت جایگاه اخلاق در شعر و ادب فارسی می‌باشد. «اخلاقی که از اندرزنامه‌های کهن نشأت می‌گیرد پیچیده، ظریف و چنان سرشار است که می‌توان مطالعه مضامین ادبیات فارسی، سده‌های نخستین را بر اساس آن استوار کرد. نقش اصلی این مجموعه‌ها، برانگیختن نوعی نگرانی و حدت بخشیدن به آن و برحذر داشتن وجدان از خواب‌آلودگی و متقاعد کردن آن است به اینکه راحتی و آرامش واقعی در این بیداری است. این اندرزنامه‌ها نطفه اصلی اندیشه‌های اخلاقی است که در سراسر ادبیات فارسی به چشم می‌خورد» (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۲۳).

آسمان فرهنگ و ادب فارسی، آسمانی پر از ستارگان درخشانی هم‌چون فردوسی، سعدی، حافظ، مولانا و ... می‌باشد که همه و همه، مضامین و رموز اخلاقی را که شامل فضایل و رذایل اخلاقی می‌گردد در آثار خود به عرصه ظهور رسانده‌اند. یکی از بزرگ‌ترین ادبا و دانشمندان ایرانی که در دوره اسلامی در باب مسائل اخلاقی سخن گفته *شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی* بوده است؛ وی از جمله استادان بزرگ اخلاق است که پرورش اخلاقی را اساس سعادت و نیک‌بختی انسان می‌داند و به همین منظور در دو اثر ارزشمند خود یعنی «گلستان» و «بوستان» دوره آموزش اخلاق و حکمت عملی را گنجانده است.

«سعدی را به واسطه نفوذ کلامش در اذهان و تأثیری که در زمینه‌های فکری و اخلاقی و رفتار مردمان داشته است می‌توان متنفذترین مربی و معلم اخلاق عملی در ایران و در میان همه فارسی‌زبانان به حساب آورد» (معبودی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). انسان فطرتاً خود در جست‌وجوی فضایل اخلاقی و نیکی‌هاست و همواره از رذایل اخلاقی گریزان است. شیخ شیراز مفاهیم و مضامین اخلاقی خود را در قالب پند و اندرزهای حکیمانه با شور و احساس خاصی که سبب جذابیت آثارش نیز شده بیان نموده است. این پژوهش بر آن است که گزیده‌ای از مایه‌ها و آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی را در «کلیات سعدی» که از کاربرد و بسامد بیش‌تری برخوردار می‌باشند به استناد قرآن و نهج البلاغه مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، تا بتواند راهگشای مخاطبان در رسیدن هرچه بهتر به هدف علم اخلاق یعنی حفاظت انسان از به خطا رفتن در رفتار باشد.

پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌های گوناگونی در مورد فرمانروای سخن سعدی شیرازی صورت گرفته است. مطالعه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از این پژوهش‌ها متوجه احوال و زندگی سعدی بوده و گاه نیز به تحلیل آثار پرداخته شده، بیش‌تر اندیشه‌ها و مضامین اخلاقی رایج در «کلیات سعدی» توضیح داده شده است.

از این میان کتاب‌هایی مانند «حدیث خوش سعدی» از عبدالحسین زرین‌کوب، و «سعدی شناسی» از اسماعیل آذر رابطه نزدیک‌تری با اهداف مقاله حاضر دارند.

عبدالحسین زرین‌کوب در اثر خویش با نگاهی نقدگونه سعدی شیرازی را معلم اخلاقی معرفی می‌نماید که در اعماق ضمیر شیخ در کنار شاعر حساس شورمندی سر می‌کند، منادی اخوت انسانی و مبشر عدالت اجتماعی است و این هر دو را لازمه درک درست از مفهوم انسانیت می‌داند.

شایان ذکر است که پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی، با توجه به اهمیت آثار شیخ اجل در عرصه ادبیات، فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، پژوهش‌ها و شرح و تفصیل‌های بی‌شماری درباره آثار او انجام داده‌اند، اما به مضامین تعلیمی سعدی با رویکرد به قرآن

کریم و نهج البلاغه کم‌تر توجه شده است؛ بنابراین در این جستار تلاش می‌شود مضامین تعلیمی سعدی در «بوستان» و «گلستان» سعدی بررسی شود.

بحث

آموزه‌های اخلاقی در «کلیات سعدی» به شرح زیر می‌باشد:

احسان

احسان از ریشه «حُسن» می‌باشد و در قرآن به معنای زیبایی و نیکی به کار رفته است؛ اما این کلمه در زبان و ادب فارسی در لغت به معنای «خوبی، نیکی، نیکوکاری، بخشش و انعام» می‌باشد (معین، ۱۳۸۷: ۸۸). احسان در اصطلاح شریعت، عبارت است از اینکه «خداوند را چنان عبادت کنیم که گویی او را می‌بینیم و دانستن این نکته که اگر ما او را نمی‌بینیم، ولی ما [که] او را می‌بینیم؛ و در اصطلاح عرفانی، تحقق به عبودیت و بندگی بر مشاهده حضرت ربوبی با نور بصیرت؛ یعنی رؤیت حق [تعالی] در حالی که به صفات خویش موصوف است با عین آن صفتش؛ پس بنده او را تنها به چشم یقین می‌بیند؛ زیرا رؤیت حقیقی خداوند ممکن نیست» (جرجانی، ۱۳۷۷: ۶).

خداوند متعال در قرآن کریم آیات فراوانی را به سفارش در احسان و نیکی کردن اختصاص داده است؛ حق تعالی در آیه‌ای از قرآن کریم، خطاب به نیکوکاران می‌فرماید:

﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ﴾ (زمر / ۱۰)

«بگو ای بندگان من که به من ایمان آورده‌اید! از پروردگارتان پروا کنید؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده‌اند [و اعمال صالح انجام داده‌اند] پاداش خوبی هست»

حضرت علی (ع) نیز در نهج البلاغه در تفسیر آیه‌ای از سوره نحل، درباره احسان و نیکی اینگونه می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ (نحل / ۹۰): «خدا به عدل و احسان فرمان می‌دهد». تفسیر: «الْعَدْلُ: الْأَنْصَافُ، وَالْإِحْسَانُ: التَّفَضُّلُ». امام علی (ع) فرمود: «عدل همان انصاف و احسان، همان بخشش است» (نهج البلاغه: حکمت ۲۳۱).

سعدی با توجه به اهمیت موضوع احسان و نیکی در فضایل اخلاقی، باب دوم از کتاب «گلستان» را به این موضوع اختصاص داده است. احسان و نیکی در «کلیات سعدی» شامل موضوعات فرعی زیر می‌گردد:

۱) نیکی کننده به خلق در هر دو جهان نیکی می بیند.

سعدی همواره صفاتی چون نیکی و احسان را مورد ستایش قرار می دهد. به نظر وی نیکی و احسان نسبت به خلق خدا، موجب سعادت و نیکبختی در هر دو جهان خواهد شد. از نظر شیخ اجل هر کس نیکی کند، جز نیکی نخواهد دید و مشمول عنایت و بخشایش حق تعالی خواهد گشت:

خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای
(سعدی، ۱۳۶۹: ۲۶۶)

۲) جوانمردی و مردانگی در نیکی کردن به کسی است که بدی کرده است. در نظر سعدی در مقابل بدی دیگران، بدی کردن کاری سهل و آسان است و از عهده هر کسی بر می آید؛ اما مردانگی در نیکی کردن نسبت به چنین شخصی می باشد، آن هم در حالی که توانایی بر بدی هم دارد:

بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی «أحسن إلی من أسأ»

(همان: ۲۱۹)

۳) در احسان به خلق نباید مغرور شد بلکه باید خدا را شکر کرد. در نگاه شیخ اجل، شخص نیکوکار نه تنها در احسان به مردم نباید دچار کبر و غرور شود، بلکه باید به دلیل داشتن نعمت توانایی بر احسان و نیکی به خلق، خدای را نیز شاکر باشد. وی هم چنین بر این اعتقاد است که اگر نسبت به کسی نیکی روا داری و کسی را مورد مرحمت خود قرار دهی، متقابلاً مورد مرحمت دیگران و خداوند متعال قرار می گیری:

مشو تا توانی ز رحمت بری که رحمت برندت چو رحمت بری
چو انعام کردی مشو خودپرست که من سرورم دیگران زبردست
اگر تیغ دورانش انداختست نه شمشیر دوران هنوز آختست؟
چو بینی دعاگوی دولت هزار خداوند را شکر نعمت گزار

(همان: ۲۵۵)

۴) احسان و نیکی کردن بهتر از هزار رکعت نماز در هر منزل از کعبه است.

از دیدگاه سعدی احسان و نیکی کردن به خلق و آسوده کردن و شاد کردن دل مسلمان بهتر از خواندن هزار رکعت نماز در هر منزل از منازل حج خانه کعبه است: به احسانی آسوده کردن دلی به از آلف رکعت به هر منزلی (همان: ۲۶۰)

اخلاص

اخلاص در لغت: «۱. خالص کردن، ویژه کردن، بی آمیغ گردانیدن. ۲. عقیده پاک داشتن، ارادت صادق داشتن است» (معین، ۱۳۸۷: ۹۳). و در اصطلاح اخلاق و عرفان عبارت است از: «پاک کردن قلب از آمیختگی با نقایصی که صفات قلب را تیره کند و تحقیق آن این است که: هر چیزی که آمیختگی غیر خودش با او متصور است اگر از چیزی که با او آمیخته شده پاک گردد [خالص] نامیده می‌شود و این عمل مخلص را [اخلاص] گویند و نیز اخلاص آن است که: برای عمل خود شاهدهی جز خدا نخواهی» (جرجانی، ۱۳۷۷: ۷). اخلاص یکی از فضایل اخلاقی ارزشمند به شمار می‌آید که در «کلیات سعدی» به موضوعات فرعی زیر تقسیم می‌شود:

(۱) ارزش عبادت به اخلاص در نیت است.

سعدی قبولی عبادت را به اخلاص و عبادت بدون اخلاص را فاقد ارزش می‌داند. در نظر سعدی عبادتی ارزشمند و قابل قبول حضرت حق می‌باشد که خلوص نیت در آن وجود داشته باشد؛ وی عبادت بدون خلوص نیت را هم‌چون پوست بی مغز می‌داند:

عبادت به اخلاص نیت نکوست وگرنه چه آید ز بی مغز پوست؟

(سعدی، ۱۳۶۹: ۳۲۹)

شیخ اجل از زبان باباکوهی به کسانی که با ریا در طلب شهرت و جاه و مقام هستند به اخلاص توصیه می‌کند؛ او رسیدن به بهشت را بدون اخلاص و با ریا و مکر، ناممکن و محال می‌داند؛ وی عبادت بدون خلوص نیت را نکوهش کرده و معتقد است که عبادت باید برای رضای حق تعالی باشد نه برای رضای خلق؛ او هرگونه عبادت همراه با ریا و تزویر را مردود می‌داند و در نهایت در نظر سعدی کسی که اخلاص در عبادت ندارد و در عبادتش ریاکاری می‌نماید، نمی‌تواند راه به بهشت برین ببرد.

ندانی که بابای کوهی چه گفت
برو جان بابا در اخلاق پیچ
کسانی که فعلت پسندیده‌اند
چه قدر آورد بنده حور دیس
نشاید به دستان شدن در بهشت
به مردی که ناموس را شب نخفت
که نتوانی از خلق رستن به هیچ
هنوز از تو نقش برون دیده‌اند
که زیر قبا دارد اندام، پیس
که بازت رود چادر از روی زشت

(همان: ۳۳۰)

۲) اخلاص در صدق و راستی است.

سعدی بر این عقیده است که اخلاص و طاعت خدا کردن تنها به انجام ظاهر عبادات نیست؛ بلکه خلوص نیت در اعمال عبادی و داشتن صداقت و راستی و به دور بودن از ریا اهمیت بیش‌تری از ظواهر عبادت دارد:

طاعت آن نیست که برخاک نهی پیشانی
صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست

(همان: ۷۰۸)

۳) قبول عبادت در درگاه الهی وابسته به خلوص نیت است.

سعدی ریشه اخلاص را موجب ثمربخش بودن و به بار نشستن درخت اعمال انسان می‌داند. هم‌چنین بر این عقیده است که انسان باید به عبادتی بپردازد که از ریا و تزویر به دور باشد؛ زیرا عبادت بدون اخلاص به هیچ عنوان مقبول درگاه حق نخواهد بود. بنابراین باید انسان به عبادتی بپردازد که تنها برای رضای خدا باشد تا بتواند از پاداش الهی برخوردار گردد:

درختی که بیخش بود برقرار
گرت بیخ اخلاص در بوم نیست
پپرور که روزی دهد میوه بار
از این بر کسی چون تو محروم نیست

(همان: ۳۳۱)

۴) عبادت بدون اخلاص مانند پشت بر قبله نماز خواندن است.

از دیدگاه سعدی اگر کسی روی از قبله برتابد، همه به کفرش گواهی می‌دهند. هم‌چنین است که اگر کسی در عبادتش خلوص نیت نداشته باشد، گویی پشت بر قبله کرده و کافر شده است:

کسی گر بتابد ز محراب روی
به کفرش گواهی دهند اهل کوی

تو هم پشت بر قبله‌ای در نماز گرت در خدا نیست روی نیاز

(۵) نماز بدون اخلاص، کلید در دوزخ است.

شیخ اجل بر این عقیده است که اگر کسی نماز و دیگر عباداتش را با خلوص نیت و تنها برای رضای پروردگار آدا نکند و فقط برای جلب توجه مردم به عبادت مشغول شود، آن نماز برایش حکم کلید در دوزخ را دارد و عباداتش باطل می‌گردد. او معتقد است که سجاده نمازگزاری را که بدون اخلاص نماز می‌گذارد، در آتش دوزخ می‌افکنند.

کلید در دوزخ است آن نماز که در چشم مردم گزاری دراز
اگر جز به حق می‌رود جاده‌ات در آتش فشانند سجاده‌ات

(همان: ۳۳۰)

تواضع و فروتنی

تواضع در لغت: «فروتنی کردن، از جای خود برخاستن برای احترام دیگری، فروتنی و کم‌زنی» است (معین، ۱۳۸۷: ۳۵۵ - ۳۵۴). تواضع در اصطلاح: «خلق است که بین تکبر و تخاسن (خست و ورزیدن) قرار دارد. برخی گفته‌اند تواضع، اظهار نقصان مقدار خود است از مقدار دیگران. برخی دیگر گفته‌اند تواضع، بزرگ شمردن صاحبان فضایل و غیر آن‌ها در مال و مقام است» (کوچنایی، ۱۳۷۶: ۱۱۱). تواضع و فروتنی یکی از مهم‌ترین فضایل اخلاقی است که در دین مبین اسلام در قالب آیات و روایاتی از ائمه معصومین (ع) بر آن تأکید فراوانی شده است؛ خداوند متعال در قرآن کریم کلمه «تواضع» را هم‌معنی با «خشوع» به کار برده است و می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (مؤمنون / ۲)

«آنان [مؤمنان] که در نمازشان خاشع‌اند»

حضرت علی (ع) نیز می‌فرماید: «فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ... وَخُشُوعًا فِي الْعِبَادَةِ»: «یکی از نشانه‌های پرهیزگاران این است که ... در عبادت فروتن [و متواضع] باشند» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۳). سعدی نیز با توجه به اهمیت موضوع تواضع و فروتنی، در باب چهارم کتاب «بوستان» به او موضوع پرداخته است که مهم‌ترین موضوعات فرعی آن به شرح زیر می‌باشد:

(۱) انسان سرشت از خاک دارد، پس باید مانند خاک متواضع باشد. سعدی معتقد است که انسان چون از خاک آفریده شده است و سرشت خاکی دارد، پس باید هم‌چون خاک افتاده باشد و دچار کبر و غرور نشود و به طور کلی، افتادگی و تواضع را بیاموزد. سعدی صفت تواضع را ضد صفت کبر می‌داند و قوی‌ترین راه درمان کبر را نیز تواضع معرفی می‌نماید:

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

(سعدی، ۱۳۶۹: ۲۹۷)

او هم‌چنین شایسته نمی‌داند انسانی که سرشتش از خاک می‌باشد، دچار کبر و غرور شود؛ او سرشت انسان‌هایی را که سرکش و متکبر هستند از خاک نمی‌داند و می‌پندارد که ذات آتشین دارند، نه خاکی:

نشاید بنی آدم خاکزاد که در سر کند کبر و تندی و باد
تو را با چنین گرمی و سرکشی نپندارم از خاکی، از آتشی

(همان: ۱۷۵)

سعدی در «بوستان» نیز هم‌چون بیت مذکور، بیت دیگری با همان مضمون سروده است؛ اما در اینجا سعدی، بین آتش و خاک مقایسه‌ای انجام می‌دهد و دلیل انتخاب سرشت آدمی را از خاک، تواضع و فروتنی خاک در مقایسه با آتش می‌داند؛ زیرا هنگامی که آتش با زبانه‌های خود در برابر خاک گردن‌افرازی نمود، خاک از هولناکی و عظمت آتش، سرافکنده‌گی نمود؛ در نتیجه خداوند متعال به دلیل این تواضع، سرشت انسان را از خاک آفرید و آتش را نیز در نهاد دیوی چون شیطان قرار داد:

حریص و جهان سوز و سرکش مباش ز خاک آفریدنت آتش مباش
چو گردن کشید آتش هولناک به بیچارگی تن بینداخت خاک
چو آن سرفرازی نمود این کمی از آن دیو کردند ازین آدمی

(همان: ۲۹۷)

(۲) تواضع و فروتنی، شرط رسیدن به عزت و بزرگی است. از دیدگاه سعدی شرط رسیدن به عزت و بزرگی، داشتن تواضع و فروتنی می‌باشد. او معتقد است کسانی که تواضع و فروتنی را پیشه خود سازند و قدر خود را فروتر نهند، در

درگاه حضرت حق به بزرگی دست می‌یابند. درست مانند شب‌نم که چون خود را کوچک حقیر نشان داد، فلک هم او را با لطف خود به بالاترین مقام رسانید.

| | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| ز شیب تواضع به بالا رسی | چو خواهی که در قدر والا رسی |
| که خود را فروتر نهادند قدر | در این حضرت آنان گرفتند صدر |
| فتاد از بلندی به سر در نشیب | چو سیل اندر آمد به هول و نهیب |
| به مهر آسمانش به عیوق برد | چو شب‌نم بیفتاد مسکین و خرد |

(همان: ۳۱۴)

۳) طریقت درویش، تواضع و فروتنی است.

سعدی معتقد است که طریقت درویشان، برگزیدن تواضع و فروتنی است. در نظر او برای رسیدن به مقام و مرتبه بالا و رسیدن به مقام درویشان، باید تواضع پیشه کرد. او درویشی را بامی می‌داند که برای رسیدن به آن باید از نردبان تواضع بالا رفت:

| | |
|----------------------------|--------------------------------|
| طریقت جز این نیست درویش را | که افکنده دارد تن خویش را |
| بلندیت باید تواضع گزین | که آن بام را نیست سَلَم جز این |

(همان: ۲۹۸)

۴) انسان هرچه خردمندتر باشد، متواضع‌تر است.

در نگاه سعدی انسان هرچه خردمندتر باشد، متواضع‌تر و فروتن‌تر می‌شود. مَثَل چنین انسانی، مانند درختی است که هرچه پرمیوه‌تر باشد، شاخه‌هایش بیش‌تر به سوی زمین متمایل می‌گردد:

| | |
|-----------------------|---------------------------|
| تواضع کند هوشمند گزین | نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین |
|-----------------------|---------------------------|

(همان: ۲۹۷)

حرص و طمع

حرص در لغت به معنی «آز، آزمندی و شره است» (معین، ۱۳۸۷: ۴۲۹). طمع نیز در لغت به معنای «۱ - آزمند گردیدن، حریص شدن. ۲ - حرص. ۳ - انتظار. ۴ - امید داشتن. ۵ - امیدواری است» (همان: ۷۰۰). حرص در معنای اصطلاحی آن عبارت است از «آزمندی به چیزی که برای رسیدن به آن کوشش فراوان کنند» (جرجانی، ۱۳۷۷: ۵۹).

طمع نیز در معنای اصطلاحی آن عبارت است از «شوق و انگیزه نفس به طرف چیزی از روی شهوت و میل به آن شیء» (اصفهانی ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م: ۴۰۵). حرص و طمع نیز مانند دیگر رذایل اخلاقی در آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (ع) مورد نکوهش قرار گرفته است؛ خداوند متعال در قرآن کریم در نکوهش حرص و طمع می‌فرماید

﴿قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ* الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ* الَّذِينَ هُمْ يُرَاعُونَ* وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ (الماعون/ ۷-۴)

«پس وای بر آن نمازگزاران که در نمازشان غفلت می‌ورزند. آنان که ریا می‌کنند و مردم را [از آنچه مورد نیاز آنان] است باز می‌دارند»

امام علی (ع) نیز در این باره در نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ الْبُخْلَ وَالْجُبْنَ وَالْحِرْصَ عَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ»: «بخل و ترس و حرص، گرایش مختلفی هستند که یک ریشه دارند و آن سوء ظنّ به خداست» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). حرص و طمع در «کلیات سعدی» شامل موضوعات فرعی زیر می‌باشد:

(۱) چشم انسان حریص، سیری ناپذیر است.

در نگاه سعدی انسان حریص و زیاده‌خواه سیری ناپذیر است. این انسان حریص مانند پادشاهی است که به سلطنت ملکی که به تصرف خود درآورده است قانع نمی‌شود و در پی تسخیر اقلیم‌های دیگر می‌باشد؛ اما در عوض، انسان باتقوای قانع به نیم نانی قناعت می‌کند و حتی نیم دیگر نان را به درویشان می‌بخشد.

«ده درویش در گلیمی بخشند و دو پادشاه در اقلیمی ننگند»

نیم نانی گر خورد مرد خدا بذل درویشان کند نیمی دگر
ملک اقلیمی بگیرد پادشاه هم‌چنان در بند اقلیمی دگر»

(سعدی، ۱۳۶۹: ۴۰)

سعدی معتقد است که چشم انسان حریص با داشتن نعمات دنیوی باز هم سیری ناپذیر است؛ در نگاه او همان‌گونه که چاه با قطرات شبنم هیچ‌گاه پُر نمی‌گردد، چشمان انسان‌های حریص و زیاده‌خواه هم هیچ‌گاه با نعمت‌های دنیوی سیر نمی‌شوند:

دیده اهل طمع به نعمت دنیا پُر نشود هم‌چنانکه چاه به شبنم

(همان: ۱۶۶)

۲) از انسان حریص خیری به کسی نمی‌رسد.

از دیدگاه سعدی حرص و زیاده‌خواهی مانع بذل و بخشش به دیگران می‌شود؛ او خطاب به انسان‌ها می‌گوید مانند نرگس، حرص و طمع را کنار بگذارید تا دستانتان پر از سکه‌های نقره شود:

درونت حرص نگذارد که زر بر دوستان پاشی شکم‌خالی چو نرگس باش تادستت درم گردد

(همان: ۷۱)

در نگاه شیخ اجل عاملان حریص و زیاده‌طلب، هیچ‌گاه خیرخواه دولت نیستند و آن چه به ملک پادشاهی بیفزایند، به همان اندازه هم از ذکر جمیل پادشاه می‌کاهند.

تا نگویی که عاملان حریص نیک خواهان دولت شاهند
کانچه در مملکت بیفزایند از ثنای جمیل می‌کاهند
راحت از مال وی به خلق رسان تا همه عمر و دولتش خواهند

(همان: ۸۲۳)

۳) درمان حرص طمع‌کار، دو چیز است: قناعت و یا خاک‌گور.

در نگاه سعدی انسان حریص و طمع‌کار تنها با یکی از این دو چیز درمان می‌گردد: قناعت یا خاک‌گور. او معتقد است که چشم انسان حریص نسبت به مال دنیا سیری‌ناپذیر است؛ به همین جهت یا باید به آنچه دارد، قناعت داشته باشد و یا اینکه فقط با خاک‌گور می‌توان حرص انسان حریص را درمان کرد:

آن شنیدستی که در اقصای غور بار سالاری بیفتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پُر کند یا خاک‌گور

(همان: ۱۰۹)

حسد

حسد در لغت: «۱- زوال نعمت کسی را خواستن، رشک بردن. ۲- بدخواهی، رشکینی ۳- رشک است» (معین، ۱۳۸۷: ۴۳۱). و در معنای اصطلاحی عبارت است از «آرزوی از میان رفتن نعمت از دیگری و رسیدن آن به خود» (جرجانی، ۱۳۷۷: ۶۱). خداوند در

قرآن کریم در سوره «فلق»، حسد را به عنوان یکی از صفات زشت و ناروا معرفی می‌کند و سفارش می‌نماید که از شر انسان‌های حسود به خدا پناه ببرید:

﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ (فلق / ۵)

«پناه می‌برم به پروردگارا از شرّ حسود، آن‌گاه که حسد ورزد»

هم‌چنین امام علی(ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «حَسَدُ الصِّدِّيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ»:

«حسادت بر دوست از آفات دوستی است» (نهج البلاغه: حکمت ۲۱۸).

حسد در «کلیات سعدی» موضوعات فرعی زیر را در بر می‌گیرد:

۱) حسد، بلا و دشمنی است که حسود گرفتار آن است.

شیخ اجل بر این عقیده است که انسان حسود، بخت‌برگشته‌ای است که همیشه گرفتار حسد خویش است و حسدش هم‌چون دشمنی است که هر جا رود در قفای اوست، پس به همین دلیل هم بلا و مصیبت خواستن برای حسود و با او دشمنی ورزیدن هیچ فایده‌ای ندارد.

الا تا نخواهی بلا بر حسود که آن بخت‌برگشته خود در بلاست

چه حاجت که با او کنی دشمنی که او را چنین دشمنی در قفاست

(سعدی، ۱۳۶۹: ۱۸۵)

۲) انسان‌های نیک‌بخت خار چشم حسودان‌اند.

استاد سخن معتقد است زمانی که به نیک‌بختی دست یافتی، باید مراقب باشی؛ زیرا دیگر از انسان‌های حسود ایمن نیستی. او انسان‌های نیک‌بخت را هم‌چون خاری می‌داند که چشم حسودان را آزار می‌دهد؛ از آنجا که حسود، دستش به نیک‌بختی تو نمی‌رسد، در نتیجه تا بتواند در حق تو بدی روا می‌دارد:

چو نیک‌بخت شدی ایمن از حسود مباش که خار دیده بدبخت، نیک‌بختان‌اند

چو دستشان نرسد لا جرم به نیکی خویش بدی کنند به جای تو هرچه بتوانند

(همان: ۸۲۲)

۳) حسود، بخیل است و دشمن مردم بی‌گناه.

از دیدگاه سعدی انسان حسود نسبت به نعمتی که حق تعالی به دیگران عطا فرموده، بخل می‌ورزد و از خدا می‌خواهد که آن نعمت را از محسود بگیرد؛ حسود دشمن مردم بی‌گناه است و نسبت به نیک‌بختان دشمنی می‌ورزد.

«حسود از نعمت حق بخیل است و بنده بی‌گناه را دشمن می‌دارد.
مردکی خشک‌مغز را دیدم رفته در پوستین صاحب جاه
گفتم ای خواجه گر تو بدبختی مردم نیک‌بخت را چه گناه؟»

(همان: ۱۸۵)

۴) حسود در مواجهه با مشکلات هم‌چون اخگر در آب، زود از بین می‌رود. سعدی بر این اعتقاد است که بزرگان در مواجهه با بلاها و مشکلات، مانند خورشیدی هستند که در حجاب افتند، اما با گذشت زمان و به تدریج از پشت ابر بیرون می‌آیند و بر مشکلاتشان فایق می‌آیند؛ اما بالعکس، حسودان در مواجهه با سختی‌ها مانند اخگری می‌مانند که در آب افتد و سریع از بین می‌روند و فقط سیاهی زغال است که بر چهره آنان باقی می‌ماند.

بزرگان چو خور در حجاب اوفتند حسودان چو اخگر در آب اوفتند
برون آید از زیر ابر آفتاب به تدریج و اخگر بمیرد در آب

(همان: ۳۴۱)

نتیجه بحث

پند و پیام‌ها یکی از بهترین و رایج‌ترین شیوه‌های بیان مسایل اخلاقی می‌باشد که امروزه با رشد روزافزون تکنولوژی و هجوم افکار و عقاید متفاوت، این روش گاه به فراموشی سپرده شده و لازم است که نویسندگان و فرهیختگان، بار دیگر این سنت دیرینه و ارزشمند را احیا کنند و چه نیکوست برای بهتر زیستن، کمی از گذشتگان و نیاکان خود بهره گیریم. با توجه به آنچه گذشت، می‌توان به این نتیجه رسید که در شعر فارسی، اخلاق جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است و شعرای فارسی‌زبان، نقش مؤثری در ترویج ارزش‌های اخلاقی بر عهده داشته‌اند که شیخ اجل *مصلح‌الدین سعدی شیرازی* از جمله این شعراست که به عنوان معلم اخلاق، رِدّ پایی از آموزه‌های اخلاقی را در کلیه آثار او به زیباترین صورت ممکن می‌توان مشاهده نمود.

سعدی *شیرازی* به عنوان شاعری متعهد و پای‌بند به اصول اسلامی، هیچ‌گاه از پند و پیام دادن به مخاطب خویش غافل نبوده است؛ وی در کلیات ارزشمند خود به تمام

زوایای زندگی بشر توجه ویژه داشته و در بخش‌های مختلف ارزش‌های اخلاقی را در قالب پند و پیام‌های زیبا و دل‌نشین بیان نموده است. در زمینه اخلاق که چشم‌انداز گسترده‌ای از قلمرو پرشکوه سخندان شیرین‌زبان شیراز را به خود اختصاص داده است، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که قصد اصلی شیخ اجل در «کلیات» تعلیم و تفهیم آموزه‌های اخلاقی و پندگونه است؛ زیرا در نگاه شاعر، آثار منظوم و منثور تعلیمی یکی از جلوه‌های مهم جهت بیان مواعظ، نصایح و بن‌مایه‌های اندرزگونه و اخلاقی در شعر فارسی می‌باشد که از جذابیت و تأثیر فراوانی در مخاطب برخوردار می‌باشد.

سعدی را می‌توان استاد اخلاق خطاب نمود؛ زیرا مسائل و آموزه‌های اخلاقی در «کلیات سعدی» بر دیگر موضوعات آن می‌چربد، هرچند که مسائل اجتماعی و سیاسی نیز در آثار او به وفور یافت می‌شود اما بسیاری از این مسائل را نیز می‌توان در شمار آموزه‌های اخلاقی شاعر به حساب آورد، گویا هدف اصلی شیخ شیراز در سرودن آثار خویش، بیان پند و اندرزهای اخلاقی در قالب نظم و نثر بوده است. با توجه به اینکه هدف علم اخلاق، حفاظت انسان از به خطا رفتن در رفتار است، می‌توان آموزه‌های اخلاقی سعدی شیرازی را سرلوحه رفتار و کردار خود قرار داده تا آدمی در اراده و عمل به دور از هوی و هوس و تقلید کورکورانه در راه مستقیم و درست گام گذارد و در یک کلام می‌توان گفت که تمامی اهداف علم اخلاق در آموزه‌های استاد سخن، به تمام و کمال ادا شده است به طوری که می‌توان بر اساس آموزه‌های اخلاقی شیخ اجل سعادت، رهبری، عدل و امنیت اجتماعی ایجاد کنیم که در آن زندگی از فساد ستمگری و عوامل شقاوت و طغیان حفظ و به سوی کمال سیر نماید.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. ۱۳۸۰ش، **چهار سخنگوی وجدان ایران**، تهران: نشر قطره.
- اصفهانی، راغب. ۱۴۳۰ق / ۲۰۰۹م، **المفردات فی غریب القرآن**، ترجمه حسین خداپرست، لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- انوری، حسن. ۱۳۸۴ش، **شوریده و بی‌قرار**، تهران: نشر قطره.
- جرجانی، میرسید شریف. ۱۳۷۷ش، **تعریفات و فرهنگ اصطلاحات معارف اسلامی**، ترجمه حسن سیدعرب، تهران: انتشارات فروزان.
- حسن‌لی، کاووس. ۱۳۸۰ش، **فرهنگ سعدی‌پژوهی**، تهران: بنیاد فارس‌شناسی با همکاری مرکز سعدی‌شناسی.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. ۱۳۶۹ش، **کلیات سعدی**، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. ۱۳۶۹ش، **اخلاق ناصری**، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- عمید، حسن. ۱۳۶۰، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فوشه کور، شارل هنری. ۱۳۷۷، **اخلاقیات و مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری**، ترجمه محمدعلی امیرمعزی، تهران: نشر دانشگاهی.
- کوچنایی، قاسم علی. ۱۳۷۶ش، **فرهنگ اخلاق**، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی الحوراء.
- ماسه، هانری. ۱۳۶۴ش، **تحقیق درباره سعدی**، ترجمه محمدحسین مهدوی اردبیلی، تهران: انتشارات توس.
- معبودی، زهرا. ۱۳۸۵ش، **جامعه‌شناسی در آثار سعدی**، تهران: انتشارات تیرگان.
- معین، محمد. ۱۳۸۷ش، **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما با همکاری انتشارات کتاب آزاد.